

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

هشتم اپریل 2012

## گواه عشق

اگر سرفرازم کنی گاهگاهی  
شوی روبرویم به بزمی، به راهی  
دلَم شاد سازی به نیم نگاهی  
به صبحی، بشامی، بروزی، به ماهی

\*\*\*

دل از من ریودی، بت دلنوازم  
به کسویت نیازم، به سویت نیازم  
قدت را بگردم، رخت را بنوازم  
بود سجده گاهم چنین جلوه گاهی

\*\*\*

ز بزم تو تا کی، چنین دور باشم  
به چشم تو مقهور و منفور باشم  
حقیر رقیبان مغرور باشم  
مقابل شوم با چنین روسیاهی

\*\*\*

پریچهره من ببین رنگ زردم  
به پایت فتاده به مانند گردم  
ز عالم بگردم، ز تو برنگردم  
هجوم آورد غم آگر با سپاهی

\*\*\*

هنوزم به بزم وفای او ره نیست  
نصییم بجز روز سرد و سیه نیست  
گر احوال زارم بپرسی گنه نیست  
به یک نیمخندی، به نیم نگاهی

\*\*\*

بت من! ز چشم خرامیده رفتی  
چه پیش آمد امشب که رنجیده رفتی  
سر دامن ناز برچیده رفتی  
مگر دیدی از من، خطائی، گناهی؟

\*\*\*

لبت تا ببوسم نفس بر لب آمد  
به جان و تتم، غصه ای دیشب آمد  
تن از درد لرزید، به جانم تب آمد  
چه بخت خرابی، چه روز سیاهی

\*\*\*

گر امشب ترا من، به مستی نبینم  
دگر روی مستی به هستی نبینم  
به عشقت بلندی و پستی نبینم  
به حال گدائی، بر اورنگ شاهی

\*\*\*

«اسیر» تو بودن، گناهی ندارد  
دل از من گرفتن گواهی ندارد  
طریق وفارسم و راهی ندارد  
چه میخواهی از من دلیل و گواهی

\*\*\*

( م. نسیم «اسیر»، بن - المان، اکتوبر 1995 م )